

سخنرانی خادم ما د لاین البرایت وزیر خارجه امریکا

در کنفرانس مربوط به روابط ایران و امریکا

واشنگتن ۱۷ مارس ۲۰۰۰

با تشکر از استاد امیراحمدی، جناب سفیر پلترو، هیئت دیپلماتیک، همکاران محترم، میهمانان و دوستان.

کنفرانس امروز منعکس کننده گردهمایی تعداد زیادی از سازمان ها است که نه تنها منحصر به شورای ایران و آمریکا نیست، بلکه شامل انجمن آسیا، انستیتوی خاور میانه و کالج امور خارجه دانشگاه جورج تاون نیز می باشد. اندوخته تجربی عظیمی در این مکان موجود است که شهادت به اهمیت ایران می دهد.

همانطور که حاضرین در این جلسه بخوبی می دانند، ایران دارای یکی از قدیمی ترین تمدن های متداوم دنیا است که شامل غنی ترین و متنوع ترین فرهنگ های جهان است. و قلمرو آن شامل نیمی از سواحل خلیج فارس و یک سوی تنگه هرمز است که از میان آن مقدار معتنا بیهی نفت تجاری دنیا عبور می کند.

دریای خزر، قفقاز و مرکز و جنوب آسیا با ایران هم مرز می باشند، منطقه ای که مقدار زیادی از مواد مخدر غیر قانونی دنیا را تولید می کند، چندین گروه عمده تروریستی در آنجا مستقر هستند و ذخائر عظیم نفت و گاز در شرف استخراج می باشند. و در حال حاضر ریاست کنفرانس اسلامی را بعهده دارد.

تردیدی نیست که مسیر آینده ایران نقش اساسی در مسائل اقتصادی و امنیتی منطقه ای را که بسیاری از جهانیان به درستی آنرا مرکز دنیا می دانند

بازی خواهد کرد.

بنابراین فرصت را برای گفتگو در باره روابط بین ایالات متحده و ایران مغتنم می دارم. امیدوارم که مناسب باشد این مهم در استقبال سال نوی ایرانی و آغاز بهار انجام گیرد و می خواهیم با گفتن تبریک سال نو به آمریکائیان ایرانی تبار صحبت را آغاز کنم، عید شما مبارک. برای ایرانیان برون مرزی نیز سال نو خوشی را آرزو می کنم.

بهار فصل امید و نو شدن و کاشتن بذرهائی برای محصولات تازه می باشد، و امید من براین است که ما بتوانیم هم در ایران و هم در ایالات متحده بذرهائی برای روابط بهتر سالهای آتی بکاریم. و این دقیقاً دورنمایی است که امروز می خواهیم راجع به آن با شما صحبت کنیم.

برکسی پوشیده نیست که به مدت دو دهه اکثر آمریکائیان، ایران را عمدتاً از دیدگاه اشغال سفارت ایالات متحده در سال ۱۹۷۹ دیده اند که با گروگانگیری، شعارهای نفرت انگیز و سوزاندن پرچم ایالات متحده همراه بوده است.

در طی این سال ها این دیدگاه تیره و تاریک با اختناقی که دولت ایران در داخل کشور بوجود آورد، و حمایت از تروریسم در خارج از کشور و با همیاری با گروههایی که با خشونت با روند صلح خاورمیانه مخالف ورزیده اند و با اهتمام برای بدست آوردن قابلیت سلاح های هسته ای تقویت شده است.

عکس العمل آمریکا سیاست انزوا و سد نفوذ ایران بوده است. ما سخنان رهبران ایران را که به آمریکا به چشم دشمن نگاه می کردند می شنیدیم و در نتیجه مجبور بودیم که با ایران به مثابه یک خطر بالقوه رفتار کنیم.

لیکن، پس از انتخاب رئیس جمهور خاتمی در سال ۱۹۹۷، ما تغییراتی را در دیدگاهمان نسبت به ایران به وجود آوردیم. باوجودی که سیاست های اعتراض برانگیز خارجی ایران تقریباً ثابت باقی مانده است، پویایی سیاسی و

اجتماعی درون ایران به وضوح شروع به تحولاتی کرده است. درپاسخ، پرزیدنت کلینتون و من، فراخوان رئیس جمهور جدید ایران را برای گفتگوی بین مردم دو کشور استقبال کردیم. ما تماس های علمی، فرهنگی و ورزشی را ترغیب نمودیم. ماتوصیه های خود را برای آمریکائینی که مایل به سفر به ایران هستند تغییر دادیم.

ما تمایل خود را نسبت به گفتگوهایی با ایران که رسماً به تصویب رسیده باشند درمورد موضوعات اصلی مورد توجه طرفین دو جانبه اظهار داشتیم. و گفتیم که تحولات آتی درآن کشور را دقیقاً پی گیری خواهیم کرد و این همان کاری است که انجام داده ایم، و حالا به این نتیجه رسیده ایم که زمان آن فرا رسیده است که دیدگاه مان را هرچه بیشتر توسعه دهیم، زیرا روندهایی که در درون ایران بروز کرده اند به وضوح بر سرعتشان افزوده می شود، جوانان مملکت، پیشتاز حرکتی هستند که هدف آن جامعه ای بازتر و برخورداردی انعطاف پذیرتر با جهان است.

زنان ایران خود را از نظر سیاسی در زمره فعال ترین و مقتدرترین زنان منطقه قرار داده اند. بازرگانان نوپا مشتاق برقراری روابط موفقیت آمیز با خارج هستند. روحانیون محترم بطور فزاینده درباره همآهنگی اسلام با حرمت و آزادی، تجدد سخن میگویند. مطبوعاتی که بطور فزاینده اعتماد به نفس پیدا کرده اند علی رغم تلاش هایی که برای خاموش کردن آنها صورت می گیرد در صحنه ظاهر می شوند.

و ایران نه یک بار بلکه سه بار انتخابات هرچه بیشتر دموکراتیک را در سه سال تجربه کرده است. تعجب آور نیست که این رویدادها با مخالفت سرسختانه از بعضی مراکز روبرو شده اند و روندی را که در پیش گرفته اند تا تکامل راه بسیار دارد.

مجازات های خشن هنوز برای ابراز مخالفت اعمال می شود. آزار و اذیت به

بهائیان و همچنین به برخی از ایرانیان که به مسیحیت گرویده اند ادامه دارد. دولت های سراسر جهان منجمله دولت ما نگرانی خود را در لزوم تأمین روند قانونی در مورد ۱۳ کلیمی ایرانی که متجاوز از یک سال است که بدون هیچ اتهام رسمی دستگیر شده اند و اکنون محاکمه آنها به ماه آینده برنامه ریزی شده است ابراز کرده اند. ما به روال و نتیجه این محاکمه به عنوان یکی از میزان سنجی های روابط ایران و ایالات متحده می نگریم.

مضافاً در پائیز ۱۹۹۸ چندین نویسنده و ناشر برجسته ظاهراً توسط عوامل خودسر قوای امنیتی ایران به قتل رسیدند و درست در آخر هفته گذشته یک سردبیر برجسته که مشاور رئیس جمهور خاتمی نیز می باشد در جریان یک ترور به شدت مجروح شده است.

جریانات متعددی در ایران همانند هر جامعه متنوع در حال حرکت هستند. بعضی از آنها کشور را به پیش می برند و بقیه آنها از پیشرفت باز می دارند. علی رغم روند به سوی دموکراسی، کنترل ارتش، قوه قضائیه، دادگاهها و پلیس در دست افراد غیر منتخب باقی مانده است، و عوامل سیاست خارجی که ما در مورد آنها بیشترین نگرانی را داریم بهبودی نیافته اند. اما حرکت در مسیر اصلاحات داخلی، آزادی و فضای باز در حال تقویت است.

بطور فزاینده ای ایرانیان هراسی از توافق با ارزیابی پانزده ماه قبل رئیس جمهور خاتمی ندارند که گفته است: «آزادی و تنوع افکار امنیت جامعه را تهدید نمی کند بلکه محدود کردن آزادی باعث آن خواهد شد. انتقاد از دولت و سازمان های دولتی در هر سطحی زیانی به نظام نمی رساند، برعکس امر لازمی است».

وزش نسیم دموکراتیک در ایران بسیار خوشایند است و بسیاری از عقاید بیان شده توسط رهبران آن بقدری دلگرم کننده است که این خطر وجود دارد که از آنچه واقعاً هست آن را بیشتر بپنداریم. مطمئناً انگیزه اولیه برای تغییر،

ایدئولوژی نیست بلکه واقع بینی است. ایرانیان زندگی بهتری می خواهند. آنها آزادی اجتماعی وسیع تر، مسئولیت پذیری بیشتر دولت و رفاه گسترده تری می خواهند. علی رغم احیای قیمت های نفت، اقتصاد ایران گرفتار عدم کارآیی، فساد و کنترل شدید دولت است. به علت عوامل جمعیتی، میزان بیکاری بالاتر و درآمد سرانه از بیست سال پیش پایین تر است.

نهایتاً ایران بر مبنای شرایط خود دگرگون می شود و به این روند ادامه خواهد داد. اگر دموکراسی ایران شکوفائی بیشتری پیدا کند، یقیناً خصوصیات متفاوت خود را خواهد داشت که منطبق با سنت ها و فرهنگ کشور است و همانند هرتکامل سیاسی و اجتماعی شگفت انگیز با سرعت خاص خود براساس جدول زمان بندی که ایرانیان برای خود تنظیم می کنند پیش خواهد رفت.

سوآلی که ما با آن روبرو هستیم این است که چگونه به تمام اینها پاسخ دهیم، در سطح گفت و گوی مردم با مردم پیدا کردن این پاسخ ها مشکل نیست.

آمریکائیان باید به استقبال خود ادامه دهند.

موارد زیادی هست که ما باید از ایرانیان بیاموزیم و ایرانیان از ما. ما باید برای گسترش و توسعه تبادلات خود تلاش کنیم. ما باید ایرانیان دانشگاهی و رهبران جامعه مدنی را در مورد منافع در باره نظر دوجانبه درگیر کنیم.

و البته باید سعی بیشتری در توسعه مهارت های بازی فوتبال خود مبذول داریم.

چالش پاسخگویی به ایران در سطح رسمی پیچیده تر است، و نیاز به گفتگو دارد گفتگو نه تنها در مورد نظریات کنونی و امیدهای آینده بلکه تا حدی راجع به گذشته پرتلاطم.

در بهترین حالت روابط ما با ایران با پیوندهای گرم دوستانه مشخص شده اند.

در طی سال‌ها ما هزاران معلم، پزشک‌یار، داوطلبان سپاه صلح و سایر آمریکائیان نیرو و حسن نیت خود را برای بهبود و بهزیستی مردم ایران بکار برده‌اند.

همانطور که در این گردهمایی مشهود است ایرانیان نیز ایالات متحده را غنی‌تر ساخته تقریباً یک میلیون آمریکایی ایرانی تبار کشور ما را خانه خود کرده‌اند. بسیاری از ایرانیان دیگر که در اینجا تحصیل کرده‌اند بازگشته‌اند تا دانش خود را در زادگاهشان بکار گیرند. در واقع بعضی از آنها جزو بهترین شاگردان من بودند در زمانی که من در کالج امور خارجی دانشگاه جورج تاون تدریس می‌کردم.

بنابراین باعث تعجب نیست که وجه اشتراک بسیاری بین مردم ما وجود دارد. هردو آرمانگرا، سربلند، پای‌بند به خانواده، آگاه به معنویات و سرسختانه مخالف سلطه خارجی هستند.

اما آن وجه اشتراک هر از چندگاهی بوسیله عواملی متزلزل شده است. ایالات متحده در سال ۱۹۵۳ نقش مهمی در سازماندهی سرنگونی نخست وزیر محبوب ایران محمد مصدق بازی کرد. دولت آیزنهاور براین باور بود که اعمالش بخاطر دلایل استراتژیک قابل توجیه است اما کودتا بطور وضوح شکستی برای پیشرفت سیاسی ایران بود، و اکنون به سادگی قابل درک است که چرا بسیاری از ایرانیان هنوز از این مداخله آمریکا در مسائل داخلی خود بیزارند.

علاوه بر این در عرض ربع قرن بعد آمریکا و غرب از رژیم شاه پشتیبانی مستمر کردند. با وجود اینکه دولت شاه در توسعه اقتصادی کشور بسیار کوشش کرد ولی در عین حال مخالفت‌های سیاسی را به شدت سرکوب نمود.

همانگونه که پرزیدنت کلینتون گفته است، ایالات متحده باید سهم عادلانه‌ای از مسئولیت را در مورد مشکلاتی که در روابط ایران و ایالات متحده به وجود آمده است بعهده گیرد. حتی در سال‌های اخیر جنبه‌هایی از سیاست ایالات متحده در مورد عراق هنگام درگیری آن دولت با ایران متأسفانه کوتاه بینانه بوده

است، بخصوص با درنظر گرفتن تجربیات بعدی که ما با صدام حسین داشتیم. به هر حال ما نیز فهرست گلایه های خودمان را داریم، و آنها جدی هستند. اشغال سفارت نقض بی شرمانه مسئولیت های بین المللی ایران و همچنین ضربه روحی به گروگان ها و خانواده آنان بود، و آمریکائیان بی گناه و دوستان آمریکا توسط گروه های تروریستی که از جانب حکومت ایران حمایت می شوند به قتل رسیده اند.

درحقیقت، کنگره اکنون مشغول بررسی لایحه ای است که برای جبران ضررهایی که به شهروندان آمریکا بوسیله اعمال تروریستی وارد شده است، توقیف سرمایه های دیپلماتیک و سایر سرمایه های ایرانی را لازم الاجرا می کند.

ما در حال حاضر مشغول همکاری با کنگره به منظور پیدا کردن راه حلی هستیم که ضمن ارضای تقاضاهای عادلانه در این کار بدعتی گذاشته نشود تا ایالات متحده را در زمینه اموال دیپلماتیک و یا سایر دارایی ها به خطر بیندازد و یا امکان گفتگوی موفقیت آمیز با ایران را نابود سازد.

در واقع ما براین باور هستیم که بهترین راه برای پرهیز از وقوع تراژدی های مشابه درآینده این است که تغییر در سیاست های ایران را تشویق نمائیم، و با شبوه ای متعادل و دوجانبه برای تقلیل اختلافات بین دو کشور تلاش کنیم. نه ایران و نه ما می توانیم گذشته ای را که اثر سوئی بر هر دوی ما داشته است فراموش کنیم.

اما سوآلی که هر دو کشور با آن مواجه هستند، این است که آیا باید اجازه داد تا گذشته آینده را منجمد کند، و باید راهی برای کاشتن بذره های یک رابطه جدید پیدا کرد که هر دو طرف را قادر به بهره وری از منافع مشترک در سال های آتی کند نه تراژدی های بیشتر.

مسئلاً به نظر ما موانعی را که یک رهبری با درایت و مطمئن نتواند از سر راه بردارد، وجود ندارد همانطور که برخی از ایرانیان متذکر شده اند، ایالات متحده روابط صمیمانه ای با برخی از کشورها دارد که از ایران کمتر دمکراتیک

هستند.

ما هیچ قصد و میلی به دخالت در امور داخلی ایران نداریم. ما اذعان داریم که اسلام در میراث فرهنگی ایران نقش مرکزی دارد و هیچ اختلاف ذاتی بین اسلام و ایالات متحده مشاهده نمی کنیم. علاوه بر این ما شاهد تعداد روز افزونی از منافع مشترک هستیم. مثلاً، ما هردو در آینده صلح و ثبات خلیج سپیم هستیم. ایران در یک منطقه خطرناک قرار دارد. ما از تلاش هایی که خطر را کاهش دهد استقبال می کنیم و مذاکرات منطقه ای را که هدفش کاهش تنش و اعتماد سازی باشد تشویق می کنیم. هردو کشور ما در منازعات و چالش هایی که توسط رژیم بی قانون عراق آغاز شده است جنگیده ایم، و در صورت جلوگیری از تجاوزات عراق هردو بهره مند خواهیم بود.

همچنین هردو در مورد عدم ثبات و صدور مواد مخدر غیر قانونی از افغانستان نگران هستیم. ایران بهای سنگینی برای درگیری های مداوم آنجا می پردازد و تاکنون هزاران ایرانی در مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر کشته شده اند. به علاوه ایران مدت مدیدی است که مهماندار قریب دو میلیون پناهنده از جنگ داخلی افغانستان می باشد. علاوه بر این ایران اکنون رهبری دنیا را در مقدار مواد مخدر غیرقانونی که سالانه ضبط می شود دارد. این یکی از زمینه هایی است که همکاری روز افزون ایالات متحده و ایران در آن به روشنی به نفع هر دو کشور است. ولی موارد بی شمار اشتراک منافع بالقوه دیگری نیز وجود دارد و از آن جمله است، تشویق روابط پایدار بین ارمنستان و آذربایجان، توسعه اقتصادی منطقه ای، حفظ اماکن تاریخی فرهنگی، و حفظ محیط زیست.

بنابراین امکان یک رابطه عادی و سودمند مشترک وجود دارد. اما این اتفاق نخواهد افتاد مگر اینکه ایران دید خود را نسبت به روابط با آمریکا توسعه دهد، همانگونه که ما به گسترش نظر خود نسبت به ایران ادامه می دهیم. وقتی که ما با تروریسم و تکثیر هسته ای مخالفت می کنیم، ضوابطمان صرفاً



آمریکایی نیست بلکه جهانی می باشد. این استانداردها برای حفاظت مردم مطیع قانون در تمام کشورها است، و منعکس کننده تعهداتی است که بیشتر ملت ها، از جمله ایران، داوطلبانه پذیرفته اند.

وقتی که ما تلاش می کنیم که پیشرفت روند صلح خاور میانه را حمایت کنیم، منظورمان خدمت به منافع و برآوردن آرزوهای دهها میلیون مردم است اعم از عرب و اسرائیلی و یا از هر طیف و ایمانی که باشند.

وقتی که ما راجع به حقوق بشر صحبت می کنیم، سعی نداریم که ارزش هایمان را تحمیل کنیم، بلکه فقط اصول مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر را تأکید می کنیم که برحسب آن مردم در هر نقطه ای مستحق آزادی های اساسی مذهب، بیان و حمایت مساوی قانون می باشند.

وقتی ما در مورد اهمیت یک گفتگوی رسمی با ایران صحبت می کنیم هیچ دستور کار سری نداریم و هیچ شرطی هم برای آن نمی گذاریم. انگیزه ما علاقه واقع بینانه مان در بردن این رابطه به سطح بالاتر است تا بتوانیم با استفاده از دیپلماسی مشکلات را حل کرده و به مردم هردو کشور منفعت برسانیم.

در ماههای اخیر رهبران ایران راجع به «سیاست تنش زدایی» ملت خود صحبت کرده اند و آقای خرازی وزیر امور خارجه اخیراً گفته است که «ایران آماده است که به عنوان لنگر ثبات برای حل مسائل و بحران های منطقه ای عمل کند».

ایالات متحده اهمیت ایران در خلیج را قبول دارد و ما در گذشته شدیداً تلاش کرده ایم که روابط مشکل با بسیاری از کشورها را بهبود بخشیم. اعم از اینکه این روشی که ما به کار برده ایم تنش زدایی، موافقت اصولی، گفتگوی سازنده و یا چیز دیگری نامیده شود.

ما آمادگی به کارگیری چنین سیاستی را اکنون داریم و می خواهیم با ایران همکاری کنیم تا آنچه را که رئیس جمهور خاتمی «دیوان بی اعتمادی» می نامد، از میان برداریم.

برای آنکه چنین اتفاقی روی دهد ما باید مایل باشیم به عنوان دو ملت مستقل و سرفراز با یکدیگر معامله کنیم و مسائلی که ما را از یکدیگر جدا نگاه داشته است را براساس منافع متقابل بررسی کنیم. به عنوان گامی در جهت پایین آوردن دیوار عدم اعتماد، من امروز می خواهم راجع به مسئله تحریم اقتصادی صحبت کنم. تحریم اقتصادی که ایالات متحده بر علیه ایران برقرار ساخت به علت نگرانی ما از تکثیر هسته ای آن دولت و هم چنین به سبب حمایت مقامات ذینفوذ تهران از گروههای تروریست و از آن جمله از کسانی بود که با خشونت با روند صلح خاور میانه مخالفت می کردند و به آنها کمک مالی می نمودند.

تاکنون تحولات سیاسی در ایران باعث نشده که ارتش آن از تلاش متداوم خود برای دستیابی به تکنولوژی، مواد و کمک لازم برای گسترش سلاح های هسته ای دست بردارد. همچنین این تحولات باعث نشده که سپاه پاسداران ایران یا وزارت اطلاعات و امنیت از کارهای تروریستی دست بکشند. تا زمانی که این سیاست ها تغییر نکرده اند روابط کاملاً عادی بین دولت های ما امکان پذیر نخواهد بود و تحریم های اصلی ما پابرجا خواهند بود.

مقصود از تحریم های ما تسریع تغییرات در سیاست های ایران است و آنها فی نفسه هدف غائی نبوده و نمی خواهند اشخاص غیر نظامی را هدف قرار دهند.

به همین دلیل سال گذشته من فروش لوازم یدکی مورد نیاز برای ایمنی هواپیماهای مسافربری غیر نظامی را که قبلاً به ایران فروخته شده بود و اغلب توسط آمریکائیان ایرانی تبار به منظور رفت و آمد به آن کشور مورد استفاده قرار می گیرد، تصویب کردم.

همین طور پرزیدنت کلینتون هم تحریم های مربوط به صدور مواد غذایی، دارو و وسایل پزشکی به کشورهای مورد تحریم از جمله ایران را تخفیف داد. من امروز اقدامی که آمریکائیان را قادر به خرید و وارد کردن قالی و مواد غذایی

مانند خشکبار و خاویار از ایران می کند را اعلام می دارم.

این گام یک پیشرفت در ادامه تعدیل هایی است که ما سال گذشته در مورد (سیاست های خود) به وجود آوردیم. همچنین هدف این است که به میلیون ها ایرانی صنعتگر، کشاورز و ماهیگیر که در این صنایع کار می کنند و به تمامی ملت ایران نشان به دهیم که ایالات متحده خصومتی با آنها ندارد.

در ثانی ایالات متحده راههایی را بررسی خواهد کرد تا موانع غیر لازم بر سر راه تماس بیشتر ایرانیان و آمریکائیان دانشمند، اشخاص حرفه ای، هنرمندان، ورزشکاران و سازمان های غیر دولتی را برطرف سازد.

ما بر این باوریم که این اقدام موجب بهبود پیوندهای تفاهم و اعتماد دو جانبه خواهد شد. ثالثاً، ایالات متحده آماده است که بر تلاش های خود (درگسترش روابط) با ایران بیافزاید، با این هدف که نهایتاً حل و فصل کامل دعاوی حقوقی حل نشده بین دو کشور انجام پذیرد.

این صرفاً برای «آزادکردن» دارائی ها نیست. پس از سقوط شاه، ایالات متحده و ایران در مود روندی برای حل دعاوی موجود از طریق دیوان داوری لاهه توافق کردند.

درسال ۱۹۸۱ قسمت عمده دارائی های ایران که در زمان بحران گروگانگیری ضبط شده بود به ایران برگردانده شد. از آن زمان تقریباً تمام دعاوی خصوصی از طریق دیوان لاهه حل شده اند.

هدف ما اکنون این است که دعاوی نسبتاً معدود ولی مهمی که بین دو دولت هنوز حل نشده اند را در لاهه حل و فصل کنیم و با انجام این مهم این مسئله را برای همیشه پشت سر نهیم.

این نکاتی را که امروز مطرح کرده ام و اقدامات سیاسی را که اعلام نمودم نمودار تمایل ما به پیشبرد منافع مشترکمان از طریق روابط بهبود یافته با ایران است.

این اقدامات در پاسخ به دیدگاه وسیع تری است که با روندهای دموکراتیک

در آن کشور امکان پذیر شده و امید ما بر این است که این تغییرات داخلی به تدریج اثرات خارجی را به وجود خواهد آورد. به علاوه، هرچه ایرانیان آزادتر می شوند، آزادی خود را از طریق اعمالشان در حمایت از حقوق بین المللی و ثبات و صلح اعلام خواهند داشت.

باید تأکید کنم که ما اگرچه دید بازتری در مورد جریان‌ها داخل ایران اتخاذ کرده ایم، اما مسائلی را که مدت مدیدی است باعث نگرانی ما بوده است هم از نظر دور نمی داریم.

ما از این امر استقبال می کنیم که ایران واقعاً به قول خود به عنوان «لنگر ثبات» عمل نماید و به تعهداتی که رهبران‌ش در مواردی چون تکثیر هسته ای و مخالفت با تروریسم کرده اند از حرف به مرحله عمل درآورند.

ما هیچ توهمی نداریم که ایالات متحده و ایران بتوانند یک شبه بر چندین دهه بیگانگی غلبه کنند.

ما نمی توانیم یک رابطه معقول را بر روی قالی و غله بنا کنیم. اما طریق روابط ما از سرعت آن مهم تر است. ایالات متحده مایل است که صبورانه و قدم به قدم پیش رود و یا سریعاً حرکت کند به شرط اینکه ایران علاقه و تعهدی در این مورد نشان دهد.

سه شنبه آینده آغاز سال جدید در ایران و شروع بهار برای همگی ما خواهد بود.

اگر این حقیقت داشته باشد که برای همه چیز در زیر آسمان فصلی وجود دارد، پس یقیناً زمان آن رسیده که آمریکا و ایران وارد فصل نوینی شوند که در آن اعتماد دو جانبه افزایش یافته و کیفیت گرمی جانشین زمستان سرد و طولانی ناراضی‌های متقابل گردد.

ما باید اذعان کنیم که امروزه شکاف بزرگی در دنیا بین شرق و غرب و یا شمال و جنوب نیست؛ هم چنان که اختلاف بین یک تمدن با تمدن دیگر نیز وجود ندارد.

امروز اختلاف عظیم در هر نقطه بین مردمی است که هنوز در گیر دیدگاهها و تعصبات گذشته می باشند و آنهایی که خود را آزاد کرده اند و از وعده های آینده استقبال می نمایند، می باشد.

من امروز صبح از طرف دولت و مردم ایالات متحده، از ایران می خواهم که در نوشتن یک فصل جدید در تاریخ مشترکمان به ما به پیوندند.

بیائید راجع به اختلافاتمان صریح باشیم و بکشیم که بر آنها غلبه کنیم.

بیائید منافع مشترکمان را تأیید کنیم و در پیشرفت آنها بکشیم.

بیائید جسورانه راجع به امکانات آینده فکر کنیم و در دست یابی به آنها بکشیم و بدین وسیله این سال و فصل نوی امید را تبدیل به یک واقعیت برای زندگی بهتر و امن تر برای هر دو ملت بنمائیم.

در انجام این رسالت من امروز صبح تعهد می کنم که بهترین مساعی خود را بکار ببرم و با احترام درخواست مشورت، تفاهم و حمایت همگان را دارم.

با تشکر فراوان